



١٣٤٩-٩ - ٢٠١٠-١٤٤١



دانشگاه اصفهان
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
گروه ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

بررسی و تحلیل «آسمان» در شعر سبک خراسانی (رودکی، فردوسی و
ناصر خسرو)

استاد راهنما:

دکتر اسحاق طغیانی

استاد مشاور:

دکتر محمود براتی

پژوهشگر:

یوسف کرمی چمه

شهریورماه ۱۳۸۸

۱۳۸۹ / ۲ / ۵

و اطلاعات مدرک علمی ایران
تسبیح مدرک

۱۳۴۶۰۶

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری های ناشی از تحقیق
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه
اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه ادبیات فارسی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی
آقای یوسف کرمی چمه

تحت عنوان

بررسی و تحلیل آسمان در شعر سبک خراسانی

(رودکی، فردوسی، ناصر خسرو)

در تاریخ ۸۸/۶/۳۱ توسط هیات داوران بررسی و با درجه عالی

به تصویب رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر اسحاق طغیانی

با مرتبه علمی دانشیار

امضاء

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر محمود براتی

با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۳- استاد داور داخل گروه دکتر غلامحسین شریفی

با مرتبه علمی استادیار

امضاء

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر حمیدرضا قانونی

با مرتبه علمی استادیار

امضاء

دانشگاه اصفهان
گروه ادبیات فارسی

سپاسگزاری

سپاس بی کران خدای مهربان را که به این بنده توفیق داد تا این تحقیق را به سرانجام برساند و در راه علم و دانش گام بردارد یگانه‌ی بی‌همتایی که در شکرگذاری از او زبانم قاصر است و تنها می‌توانم بگویم:

چگونه شکر این نعمت گذارم که روز و شب تو هستی غمگسارم

اما در انجام این پژوهش بزرگوارانی یاری‌گرم بوده اند که سپاسگزارشان هستم:

استادگرامی جناب آقای دکتر اسحاق طغیانی که از راهنمایی خویش، نویسنده را بهره‌مند گردانیدند.

استادگرامی جناب آقای دکتر محمود براتی که مشاوره‌ی این پایان‌نامه را عهده دار بودند.

استادگرامی جناب آقای دکتر غلامحسین شریفی که به عنوان داور داخل گروه زحمت داوری پایان‌نامه را پذیرفتند.

استادگرامی جناب آقای دکتر حمیدرضا قانونی که به عنوان داور خارج از گروه با دقت پایان‌نامه را مطالعه فرمودند.

و همچنین شکرگزار همه‌ی استادان و معلمان هستم که از محضرشان کسب فیض نموده و از خرمن فضلشان خوشه‌ها چیده‌ام.

همچنین از دوستان عزیزم آقایان حسین سلیمانی و پرویز حیدری به خاطر دلگرمی‌هایشان ممنونم.

نیز باید از خانواده‌ی عزیزم که همواره مایه‌ی دلگرمی و نشاطم بوده و در تمام لحظات زندگی کنارم بوده‌اند، تشکر و قدردانی نمایم.

و از آن یار دلدار که حضورش شوری به زندگی‌ام بخشیده و روح و جانی در تنم دمیده، سپاسگزارم. او که شادیش طلوع همه‌ی آفتاب‌هاست.

تقدیم به

آن دو که نامشان آسمانی تر از نام خورشید است

پدر و مادرم

چکیده

آسمان و پدیده هایش از دیرباز نوع بشر را به شگفتی وا می داشته، و این انگیزه را در آن ها ایجاد می کرده است که پی به اسرار آن و ستارگانش ببرند. ادبیات فارسی به عنوان آینه تمام نمای فرهنگ و هنر ایران زمین از بدو پیدایش تاکنون، بسیاری از مسائل مربوط به آسمان را در خود بازتاب داده است. در نوشتار حاضر به بررسی آسمان و پدیده هایش در شعر شاعران بی دیوان، رودکی، فردوسی و ناصر خسرو از نظر صور خیال و رابطه آسمان با سرنوشت بشر، پرداخته ایم. در این پژوهش همه ی اشعار شاعران مورد نظر خوانده شده و موارد مربوطه استخراج گردیده و سپس با کمک گرفتن از دیگر آثار و منابع، به دسته بندی و تحلیل ابیات با توجه به موضوعات مورد نظر پرداخته شده است. صور خیال مرتبط با آسمان در شعر این شاعران، ساده و طبیعی است. اینان اغلب به تشبیه و آن هم از نوع تشبیه حسی گرایش دارند. همچنین از نظر رودکی، فردوسی و ناصر خسرو، انسان دارای اختیار است و قدرت انتخاب میان نیک و بد را دارد از این رو نسبت دادن حوادث زندگی بشر را، به آسمان و پدیده هایش نمی پذیرند، ولی در شعر شاعران بی دیوان اغلب تأثیر آسمان و پدیده هایش در زندگی بشر تأیید شده است.

کلید واژه: آسمان، صورخیال، سرنوشت، رودکی، فردوسی، ناصر خسرو

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
ز.....	پیشگفتار.....

فصل اول: کلیات

۱.....	۱-۱- مقدمه.....
۲.....	۲-۱- مسأله تحقیق و اهمیت آن.....
۳.....	۳-۱- پیشینه تحقیق.....
۵.....	۴-۱- تعریف سبک خراسانی.....
۷.....	۵-۱- مختصات سبکی شعر خراسانی.....
۸.....	۶-۱- دلیل انتخاب رودکی، فردوسی و ناصر خسرو.....

فصل دوم: آسمان در ادیان مختلف

۱۰.....	۱-۲- معانی لغوی آسمان.....
۱۱.....	۲-۲- آسمان در ادیان مختلف.....
۱۱.....	۱-۲-۲- آسمان پیش از ظهور زرتشت.....
۱۲.....	۲-۲-۲- آسمان در مزدیسنا.....
۱۵.....	۳-۲-۲- آسمان در آیین زروانی.....
۱۶.....	۴-۲-۲- آسمان در عقاید مانویان.....
۱۶.....	۵-۲-۲- آسمان در اعتقاد مسیحیان.....
۱۷.....	۶-۲-۲- آسمان در فرهنگ اسلامی.....
۱۸.....	۳-۲-۳- قداست آسمان.....
۱۹.....	۴-۲-۳- صفات آسمان.....

فصل سوم: اخترشناسی

۲۰.....	۱-۳- اخترشناسی و اختربینی.....
۲۰.....	۲-۳- نخستین کوشش‌ها برای شناسایی ستارگان.....
۲۱.....	۳-۳- اخترشناسی در ایران.....

عنوان	صفحه
۴-۳- اخترشناسی و اختربینی اسلامی- عربی	۲۴
۵-۳- احکام نجوم	۲۶
۶-۳- ستارگان و بروج در ادب فارسی	۲۸
۱-۶-۳- خورشید	۲۸
۲-۶-۳- ماه	۳۰
۳-۶-۳- برج حمل	۳۱

فصل چهارم: بازتاب آسمان در شعر (رودکی، فردوسی و ناصر خسرو)

۱-۴- مقدمه	۳۲
۲-۴- درباره رودکی	۳۳
۳-۴- آسمان در شعر رودکی	۳۵
۴-۴- درباره فردوسی	۴۱
۵-۴- آسمان در شاهنامه	۴۲
۱-۵-۴- آسمان	۴۳
۱-۱-۵-۴- خلقت آسمان	۴۳
۲-۱-۵-۴- واژه های مختلف آسمان	۴۴
۳-۱-۱-۵-۴- صفات آسمان	۴۶
۴-۱-۵-۴- رنگ آسمان	۴۶
۵-۱-۵-۴- دیگر مسایل مربوط به آسمان	۴۷
۶-۱-۵-۴- تقدیر سپهری ، رأی آسمانی	۴۷
۲-۱-۵-۴- ستارگان در شاهنامه	۴۸
۱-۲-۱-۵-۴- خورشید	۵۲
۲-۲-۱-۵-۴- ماه	۵۶
۳-۲-۱-۵-۴- کیوان	۵۸
۳-۱-۵-۴- اشارات نجومی	۵۹
۴-۱-۵-۴- بروج	۶۲
۶-۴- درباره ناصر خسرو	۶۶

عنوان	صفحه
۷-۴-آسمان در شعر ناصر خسرو	۶۹
۱-۷-۴-آسمان	۷۰
۲-۷-۴-نگرش فلسفی به آسمان	۷۱
۳-۷-۴-ستارگان	۷۵
۱-۳-۷-۴-خورشید	۷۷
۲-۳-۷-۴-ماه	۷۹
۴-۷-۴-ابر	۷۹
۵-۷-۴-اشارات نجومی	۸۱
۸-۴-آسمان در شعر شاعران بی دیوان	۸۶
۱-۸-۴-آسمان و صفات گوناگون آن	۸۹
۲-۸-۴-خورشید	۸۹
۳-۸-۴-دیگر پدیده ها	۹۰

فصل پنجم: صور خیال مرتبط با آسمان

۱-۵-مقدمه	۹۳
۲-۵-صور بیانی	۹۵
۱-۲-۵-تشبیه	۹۶
۲-۲-۵-استعاره	۹۶
۳-۲-۴-مجاز	۹۷
۴-۲-۴-کنایه	۹۸
۳-۵-صور خیال در شعر رودکی	۹۹
۴-۵-صور خیال در شاهنامه	۱۰۵
۵-۵-صور خیال در دیوان ناصر خسرو	۱۱۵
۶-۵-صور خیال در شعر شاعران بی دیوان	۱۲۷
۷-۵-یک نمونه تفاوت	۱۳۶

فصل ششم: رابطه و نسبت آسمان با سرنوشت بشر

۱-۶-مقدمه	۱۴۰
-----------------	-----

عنوان	صفحه
۱-۶ مقدمه	۱۴۰
۲-۶ تقدیر گرایی در مذاهب مختلف	۱۴۱
۱-۲-۶ آیین مهر (میترائیسم)	۱۴۱
۲-۲-۶ دین زرتشتی	۱۴۱
۳-۲-۶ آیین زروان	۱۴۲
۴-۲-۶ اسلام	۱۴۲
۱-۴-۲-۶ معتزله	۱۴۳
۲-۴-۲-۶ اشاعره	۱۴۴
۳-۶ رابطه آسمان با انسان در ادبیات فارسی	۱۴۶
۲-۳-۶ رابطه آسمان با انسان در شعر رودکی	۱۴۹
۳-۳-۶ رابطه آسمان با انسان در شاهنامه	۱۵۱
۴-۳-۶ رابطه آسمان با انسان در دیوان ناصر خسرو	۱۵۷
۵-۳-۶ رابطه آسمان با انسان در شعر شاعران بی دیوان	۱۶۱
نتیجه گیری	۱۶۴
پی نوشت ها	۱۶۶
منابع و مأخذ	۱۷۰

فهرست شکل ها

صفحه	عنوان
۱۴.....	شکل ۱-۲. نمای آسمان و زمین
۲۴.....	شکل ۱-۳. ستارگان و خانه های آنها در منطقه البروج
۲۵.....	شکل ۲-۳. خانه های وبال ستارگان

فهرست جدول ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۴ آسمان و تعابیر گوناگون آن در شعر رودکی	۴۰
جدول ۲-۴ پدیده های آسمانی در شعر رودکی	۴۰
جدول ۳-۴. آسمان و معادل های آن در شاهنامه	۶۴
جدول ۴-۴. پدیده های آسمانی در شاهنامه	۶۵
جدول ۵-۴. رابطه ی انوار هفت گانه ی کیهان شناسی ناصر خسرو، پایگاه و اثر آنها در پیدایش گوهرهای	۷۲
جدول ۶-۴. تعابیر مختلف آسمان در دیوان ناصر خسرو	۸۳
جدول ۷-۴. پدیده های آسمانی در دیوان ناصر خسرو	۸۵
جدول ۸-۴ آسمان و تعابیر گوناگون آن در شعر شاعران بی دیوان	۹۱
جدول ۹-۴ پدیده های آسمانی در شعر شاعران بی دیوان	۹۲

پیشگفتار

آسمان و متعلقات آن در تمام ادوار مورد توجه شاعران ادب فارسی بوده است، در شعر شاعران سبک خراسانی نیز آسمان و پدیده های آن مانند: ستارگان، برج‌ها، ابرها و جزاینها، نمود دارد. ناشناخته بودن و شگفت انگیزی آسمان و همچنین اعتقاد پیشینیان مبنی بر تأثیر آسمان و ستارگان در زندگی و سرنوشت بشر را، می توان از دلایل توجه شاعران به آن دانست. در این نوشتار آسمان و متعلقات آن در شعر رودکی، فردوسی، ناصر خسرو و شعر شاعران بی دیوان سبک خراسانی، بررسی می شود. بررسی متون ادبی از جنبه های مختلف از راه‌های درک و فهم بهتر آنهاست، و به طبقه‌بندی و تحلیل آنها کمک می‌کند.

این تحقیق دارای ۶ فصل است که فصل اول با عنوان کلیات، مطالبی را درباره اهمیت و پیشینه تحقیق، سبک خراسانی و دلیل انتخاب شاعران مذکور، شامل می‌شود. در فصل دوم به بررسی اعتقادات ادیان مختلف درباره آسمان پرداخته می‌شود، در فصل سوم مطالبی در باب اخترشناسی و مهم‌ترین ستارگان و بروج مطرح شده در متون مورد نظر خواهد آمد. در فصل چهارم به بازتاب آسمان و پدیده های آن در شعر شاعران بی دیوان، رودکی، فردوسی و ناصر خسرو می‌پردازیم و برای آن که درک بهتری از میزان حضور آسمان و پدیده‌های آن در شعر این شاعران به دست آید، در این فصل جداولی ارائه خواهد شد.

در فصل چهارم به بررسی صور خیال مرتبط با آسمان در شعر شاعران مورد نظر نوشتار، دست یازیده ایم. نگاه شاعران یاد شده به خورشید با هم تفاوت دارد، در این فصل به این تفاوت خواهیم پرداخت، اما فصل ششم که فصل آخر تحقیق است عنوان « رابطه و نسبت آسمان با سرنوشت بشر » را بر خود دارد. در این فصل پس از آن که مختصری درباره جبر و اختیار در ادیان مختلف این سرزمین سخن گفته، به بررسی رابطه و نسبت آسمان با سرنوشت بشر در متون مورد نظر این تحقیق پرداخته ایم.

در ارتباط با این نوشتار و نحوه ارجاعات ذکر نکاتی لازم است:

- اشعار شاعران بی دیوان را از کتاب شرح احوال و اشعار شاعران بی دیوان اثر محمود مدبری نقل کرده، جز آن که در یک مورد به کتاب اشعار پراکنده اثر ژیلبر لازار، ارجاع داده ایم.
- اشعار رودکی را از دیوانی که زیر نظر براگینسکی چاپ شده، نقل کرده و البته در مواردی به اشعار ذکر شده در کتاب (محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی) اثر سعید نفیسی و کتاب (ابو عبدالله رودکی و آثار منظوم رودکی) اثر عبدالغنی میرزایف نیز ارجاع داده ایم.
- شاهنامه مورد استفاده در این تحقیق، شاهنامه به تصحیح خالقی مطلق است.
- در ارجاع به دیوان ناصر خسرو از تصحیح مینوی - محقق استفاده شده است.
- در ارجاع به اشعار شاعران بی دیوان و رودکی فقط صفحه را ذکر کرده، و در ارجاع به دیوان ناصر خسرو شماره قصیده را در سمت راست و شماره بیت را در سمت چپ آورده، و برای ارجاع به ابیات شاهنامه از سمت راست به ترتیب شماره جلد و شماره صفحه و شماره بیت را، ذکر کرده ایم.
- هر جا که از بندهشن مطلبی نقل شده، منظور بندهشن ایرانی است نه هندی.

- پی نوشت‌ها جداگانه و به ترتیب فصل‌ها آمده است.

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

آسمان و پدیده هایش از دیرباز نوع بشر را به شگفتی و امی داشته و این انگیزه را در آن‌ها ایجاد می‌کرده است که پی به اسرار آن و ستارگانش بزنند. شکل خاص آسمان، طلوع و غروب ستارگان زیبایی، اسرار آمیز و ... همواره از مسائل برانگیزاننده شگفتی و کنجکاوی در آدمیان بوده و هست. این موارد و همچنین قرار گرفتن آسمان بر فراز زمین و به عبارت دیگر اشراف داشتن آن بر جهان و جهانیان، توجه و تلاش برای شناخت آن را موجب شده است.

درباره شناخت آسمان و اختر شناسی گویا نخستین تلاش‌ها را بابلی‌ها آغاز کرده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد، آنها برخی از مهم‌ترین صورت‌های فلکی را می‌شناخته‌اند (برزگر، ۱۳۷۶: ۱۳۳۸). این تلاش و کوشش از قدیم تا کنون ادامه دارد و هزاران چندگاهی اخبار جدیدی از اکتشافات در این حوزه از دانش منتشر می‌شود.

ایرانیان هم از دیرباز در این جهت تلاش‌هایی کرده و دستاوردهای فراوانی هم داشته‌اند. رصدخانه مراغه که در سال ۶۵۷ هجری قمری توسط خواجه نصیر بنا شد، یکی از مهم‌ترین این دستاوردهاست.

ادبیات فارسی به عنوان آینه تمام نمای فرهنگ و هنر ایران زمین، از بدو پیدایش تاکنون بسیاری از مسائل مربوط به آسمان را در خود بازتاب داده است، از این جهت جای آن دارد که این موضوع در عرصه ادب فارسی مورد تحقیق و مذاقه قرار گیرد و نحوه بازتاب موارد آن در متون نظم پارسی بررسی شود. همچنین یکی از مسائلی که در ادبیات فارسی برجسته و نمایان است، مسئله رابطه و نسبت آسمان با زندگی و سرنوشت بشر است. از نظر مسائل شعری و صور خیال، آسمان و متعلقات آن، بسیار مورد استفاده‌ی شاعران بوده است؛ هر یک از شاعران بسته به موضوع شعرشان در این زمینه دست به آفرینش‌هایی زده‌اند، که بسیار قابل توجه است. بررسی اعتقاد به تأثیر آسمان در زندگی و سرنوشت افراد و صور خیال مرتبط با آن، از مباحث اصلی این نوشتار است.

۱-۲- مسأله تحقیق و اهمیت آن

کانت^۱ در صفحات آخر «نقد عقل عملی» اشاره می‌کند که دو چیز همواره حس اعجاب و خشوع آدمی را برمی‌انگیزد: یکی؛ آسمان پرستاره در بیرون و دیگری؛ قانون اخلاقی یا وجدان در درون (پرهام، ۱۳۷۷: ۱۸۸). همچنین «افلاطون»^۲، در کتاب قوانین، دو چیز را دلیل ایمان آدمی به وجود خدا می‌داند: یکی؛ روان آدمی که «دیرینه تر و خدایی تر از همه این باشند» است که، به تأثیر حرکت - که از بیرون بر آنها وارد شده - به هستی پیوسته آغازیده‌اند: دو دیگر؛ مشاهده «نظم در گردش اختران آسمان» (همان: ۲۳۸).

آیات فراوانی هم در قرآن به خلقت آسمان‌ها و زمین اشاره دارد، و خداوند متعال مکرراً انسان‌ها را به تفکر در این باره می‌خواند: «افلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها وزيناها و مالها من فروع» (ق/۶). دقت در متون ادبی فارسی دو نکته را آشکار می‌سازد: یکی؛ نقشی که مردمان برای «آسمان و ستارگان» در زندگی و سرنوشت خود قائل شده‌اند و موجبات فلک نالی‌ها و فلک ستایی‌های بسیاری را فراهم آورده است. این تناقض که آیا فلک و اسباب او مقدر و محول حال و کار جهانیان هست یا نیست، در شعر شاعران عصر سلجوقی بیشتر است. زمینه عام جبرگرایی که ریشه در تاریخ ایران قبل از اسلام - در میترائیسم و زورانیسم - دارد و بر ناخودآگاه ضمیر ایرانی مسلط است تا آن جا که حجم قابل توجهی از ضرب المثل‌های فارسی را، در برگرفته است و بعد توسط حکومت‌های اسلامی همچون امویه - که تخت را با منبر برابر کرده‌اند -

^۱ - Kant

^۲ - Plato

تقویت شده است را باید مهم ترین عامل پیدایش این شیوه‌ی بینش نسبت به جهان دانست، که همه چیز را از بلای فلک می‌داند.

نکته دیگر که از مطالعه ادبیات فارسی به ذهن خواننده جدی آن می‌رسد؛ حس اعجاب آمیخته با تحسین شاعران و نویسندگان در برابر آسمان و رمز و رازهایش، ستارگان پر فروغش و ... است. «تقریباً در همه ادوار، احساس شاعرانه، حتی در نثر، نسبت به زیبایی ظاهری آسمان و پدیده‌های آن، سبب خلق هزاران تعبیر و کنایه و توصیف شده است» (مصطفی، ۱۳۶۶: چهارده، سرآغاز).

به جرات می‌توان گفت که در شعر تمام شاعران فارسی - دست کم تا قبل از مشروطه که مبانی فکری تا حدودی تغییر می‌کند - هر چند که اعتقاد به قضا و قدر را در اشعار بعد از مشروطه هم می‌توان دید اما به صورتی دیگر - این دو نکته دیده می‌شود.

گویا این هم سنتی ادبی شده بود که شاعران به توصیف آسمان و پدیده‌هایش پردازند، البته بسته به محتوای شعر و غرض شاعر از سرودن آن توصیفات متفاوت است: رودکی شراب را به آفتاب مانند می‌کند ولی ناصر خسرو خلیفه فاطمی و امام علی (ع) را به آفتاب تشبیه می‌کند. ناگفته نماند که بعضی از تشبیهات و استعارات هم عوض نشده است و همچنان باقی مانده است. مثلاً، از دیرباز معشوق را به ماه و آفتاب مانند کرده اند و هنوز هم این تشبیه به کار می‌رود.

در این تحقیق به بررسی «آسمان و متعلقات آن» در شعر رودکی، فردوسی، ناصر خسرو و شاعران بی - دیوان سبک خراسانی، پرداخته می‌شود. بررسی متون ادبی از جنبه‌های مختلف از راه‌های درک و فهم آنهاست، و به طبقه بندی و تحلیل افکار موجود در آنها کمک می‌کند.

۱-۳- پیشینه تحقیق

اگر چه درباره نجوم در شعر برخی از شاعران چون خاقانی کتاب‌هایی نوشته شده، ولی اثر مستقلی درباره «آسمان و متعلقات آن» در ادب پارسی به گونه ای که شعر شعرای - برجسته - یک سبک را در نظر داشته باشد، به تحریر نیامده است.

کتاب‌ها و مقالاتی که به گونه ای مرتبط با موضوع تحقیق است، در ادامه آورده می‌شود. پیش از آن باید گفته شود که این کتاب‌ها و مقالات، هر کدام بخشی از مطالب مربوط به آسمان را در خود جای داده و هیچ کدام کلیتی از آسمان در آثار ادبی فارسی را آنگونه که این رساله به دست می‌دهد، شامل نمی‌شوند.

برخی از این کتاب‌ها و مقالات به اسطوره‌ی آسمان، برخی به توصیفات پدیده‌های آسمانی در شعر شاعران و برخی به تقدیرگرایی در شعر شاعران پرداخته‌اند، و نکته قابل تأمل آنکه، درصد بسیار بالایی از این کتاب‌ها و مقالات، درباره‌ی شاهنامه است.

- دشتی، علی (۱۳۶۲)، تصویری از ناصر خسرو، تهران: جاویدان، چاپ اول.

نویسنده، در ۸ صفحه به توضیحات ناصر خسرو از شب و غروب (در رابطه با آسمان) و وصف آسمان (مقایسه با باغ) پرداخته، اما متأسفانه تحلیل عمیقی ارائه نکرده است. در صفحه ۸۸ می‌نویسد: «در شب‌های خاموش و تیره‌ی میگان که کمتر مجال خواندن یا نوشتن فراهم است به سوی طبیعت می‌رود، به سیر آسمان و کواکب و تصاویر نجومی سرگرم می‌شود...» و در صفحه ۹۴ همان مفهوم را تکرار می‌کند. همچنین نویسنده توجه ناصر خسرو به طبیعت را همچون برخی شاعران دیگر صرف و وصف و اعجاب نمی‌داند.

- ناظری، نعمت (۱۳۶۸)، وصف طبیعت در شعر فردوسی، (بی‌جا) شعله اندیشه، چاپ اول.

در این کتاب، ابیاتی که در آنها از برآمدن خورشید و فروخفتن آن سخن به میان آمده، فهرست شده است و توضیحات مختصری در حدود ۲ صفحه دارد. البته خیلی پیشتر محمدرضا شفیعی کدکنی در کتاب «صور خیال در شعر فارسی» به این موضوع اشاره کرده است.

- رستگار فسایی، منصور (۱۳۶۹)، بیست و یک گفتار درباره‌ی شاهنامه فردوسی، شیراز: نوید شیراز، چاپ اول.

در این کتاب که مجموعه‌ی چند مقاله است، نویسنده در مقاله «جهان طبیعت در شاهنامه فردوسی» به آسمان در شعر فردوسی توجه کرده، و برخی تعابیر و الفاظ شاهنامه را که مرتبط با آسمان، ماه، خورشید و ستارگان دیگر است، بررسی نموده است.

در این بخش از مقاله که از صفحه ۲۰۶ تا ۲۱۰ را شامل می‌شود، نویسنده می‌نویسد: «مهمترین تعبیری که فردوسی از آسمان می‌کند چرخ است^(۱)» و «در همه این تعبیرات فلسفه‌ی قدمت آسمان و جهان آفرینش توأم با فراز و نشیب‌های ایام بخوبی تصویر می‌گردد.»

- دبیرسیاقی، سید محمد (۱۳۷۶)، گلچینی از نامور نامه‌ی باستان، تهران: علمی و فرهنگی، چاپ اول.

نویسنده این کتاب، ابیات مربوط به «طلوع و غروب خورشید و ماه در سراسر شاهنامه» را گرد آورده است، بی‌آنکه چیزی از خود بیفزاید و تحلیلی کرده باشد.

- علی اکبری، نسرین (۱۳۸۲)، «تجلی نمادین خلقت در اسطوره‌های آسمان» نشریه دانشکده ادبیات و

علوم انسانی مشهد، شماره ۱۴۳ (صص ۱۳۴-۱۲۷).

نویسنده به برخی از اسطوره های آفرینش آسمان که در ادب فارسی نمود دارد، همچون اسطوره تخم مرغی شکل بودن آسمان، پرداخته است.

_____ (۱۳۸۳)، « منشا گفتار فردوسی درباره آسمان، ماه، خورشید و زمین » نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، شماره ۱۴۴ (صص ۱۲۵-۱۱۹).

نویسنده مقاله معتقد است که فردوسی درباره آفرینش آسمان و پدیده های سماوی هم از فرهنگ سامی و هم از فرهنگ ایرانی استفاده کرده است.

رینگرن، هلمر^۳ (۱۳۸۸)، تقدیر باوری در منظومه های حماسی فارسی، ترجمه ابوالفضل خطیبی، تهران: هرمس، چاپ اول.

نویسنده به مقایسه تقدیر باوری در شاهنامه و ویس و رامین دست یازیده و در چهار گروه واژه های مختلفی را که برای بیان مفهوم بخت و سرنوشت و تقدیر به کار می رود، دسته بندی کرده است^(۲).

همچنین در فرهنگنامه ادبی فارسی مقاله ای با عنوان « نجوم در ادب فارسی » وجود دارد که بخش اول آن، کلیاتی درباره اخترشناسی و تاریخچه آن را در بر می گیرد. اما، در بخش دوم به بررسی ستارگان در ادب فارسی پرداخته شده است. لازم به ذکر است که، این بخش از مقاله شواهد بسیاری از آثار ادبی را شامل می شود. در ادامه لازم است مطالبی درباره سبک خراسانی و ویژگی های آن و دلایل انتخاب اشعار رودکی و فردوسی و ناصر خسرو برای این پژوهش آورده شود.

۱-۴- تعریف سبک خراسانی

« سبک شعر فارسی دری را از آغاز نیمه دوم قرن سوم تا پایان قرن پنجم هجری سبک خراسانی می نامند » (شمیسا، ۱۳۷۴: ۲۰). سبک خراسانی اولین سبک شعری زبان فارسی است. دیگر سبک های شعر فارسی عراقی، هندی، بازگشت و شعر نواست. در این میان بین خراسانی و عراقی و بین عراقی و هندی و نیز بین بازگشت و شعر نو سبک های بینابینی قرار دارد.

دکتر محبوب در پیشگفتار کتاب خود می نویسد: « مکان را در تحول شعر دخالتی نبوده است و سبک ها مربوط به زمان ها و دوران های معین تاریخی است و چون هر سبک از یک ناحیه نشأت کرده و در آن نقطه رشد و توسعه یافته، نام آن مکان را نیز به خود گرفته است » (محبوب، ۱۳۴۵: ۵۱، پیشگفتار). اگر چه تقسیم

³ - Helmer Ringgren